

# شمیر انتظار

روایت عمومی مهدیه تهران

شماره ۱ / شهریور ماه ۱۳۸۴ / شمعان ۱۴۲۶



یا اباصالح المهدی  
علیک السلام

## زیارت آل یاسین



دعاهای مهدوی

زیارت آل یاسین یکی از زیارت‌های مشهور حضرت مهدی (ع) است. راوی این زیارت محمد حمیری قمی است که در اواخر دوران غیبت صغری می‌زیسته و مکاتبات بسیاری با ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر داشته و توقیعات متعددی به وسیله او نقل شده است. در آغاز یکی از توقیعات چنین می‌خوانیم: ... هر گاه خواستید به وسیله ما به پروردگار توجه پیدا کنید و به ما متوجه شوید، پس آن گونه که خدای تعالی فرموده است بگویید: درود و سلام بر آل یس باد...

زیارت آل یاسین با سلام‌ها و درودهای زیبایی آغاز می‌شود که از لطافت و ادب خاصی برخوردار است و اختصاص به وجود مقدس امام عصر (ع) دارد. این زیارت شریفه در مفاتیح الجنان در ضمن زیارت حضرت صاحب الامر (ع) آمده است و فرزاهای کوتاه آن در بردارنده برخی اعتقادات شیعه مانند توحید - رجعت، ولایت ائمه معصومین (ع)، معاد و... می‌باشد. در این زیارت می‌خوانیم: السلام علیک یا تالی کتاب الله و ترجمانه...

ای قرآن ناطق و ای ناطق قرآن!

سلام به تو آن هنگام که زلال جاری صدایت دل‌های تشنه ما را سیراب می‌کند، سلام بر تو آن هنگام که یاس‌های سپید آیات الهی بر لبانت شکوفا می‌شود.

ای صاحب عصر و ای امام زمان!

سلام بر تو آن‌گاه که خورشید به استقبالت می‌آید و درود بر تو آن زمان که ماه با همه ستارگانش جای پایت را بوسه می‌زند:

ای امام جمعه موعود!

سلام بر تو هنگامی که عطر نماز و قنوت به گرد گنبد آسمان می‌پیچد. سلام بر تو آن‌گاه که ذکر رکوع و سجودت در محراب زمین جوانه می‌زند.

سلام بر تو هر زمان که از نسیم تکبیر و تهلیلت صحن قلب‌های عاشق لبریز از خدا می‌شود.

ای چهاردهمین بدر آسمان خدا!

سلام بر تو آن‌گاه که پلک صبح بر سر انگشت محبت گشوده می‌شود و آن هنگام که مهربانترین ماه‌ها با تبسم دل‌نشینت طلوع می‌کند.

ای عزیز دل ما!

سلام بر تو آن زمان که یوسف ماه از حسن بی حد تو سر در چاه شب فرو می‌برد و آن هنگام که نسیم دست خدا نقاب از چهره زیبایی تو برمی‌دارد و آفتاب نگاهت بر اهل زمین سایه می‌افکند.

سلام بر تو که سطر نخستین کتاب انتظاری و سر آغاز دفتر آرزوها، درود بی پایان همه قلب‌ها و قلم‌ها بر تو باد

ترجمه خرازی از زیارت آل یس

### تمصب عشق

امام روی عشق و تمصب شیعیانش، تمصب خاصی دارد، آن گونه که اولین کسانی را که به تیغ محاکمه می‌گشادند، گروهی هستند که از عشق و تولاى عاشقان آقا، سوء استفاده کرده‌اند، امام باقر (ع) می‌فرماید: امام زمان (عج) که قیام کند، از کسانی شروع می‌کند که از اهل بیت سوء استفاده کرده‌اند و گردن‌های آنان را می‌زند. (ایضاح ص ۲۰۸)

## در دوران غیبت چگونه می‌توان از امام غایب بهره جست؟

ممکن است این سؤال پیش آید حال که امام عصر غایب هست چگونه می‌توان از او کسب فیض کرد؟ در دوران غیبت، افراد به سوی یک وضعیت آماده باش همیشگی برای پیوستن به سپاه امام مهدی (عج) و کسب آمادگی کامل جهت فداکاری در راه تسلط کامل امام بر اوضاع گرایش پیدا می‌کنند و این حالت روحیه تعاون را در میان مردم بیشتر می‌کند و از این رو است که می‌خواهند سپاهیان امام باشند، و همچنین فرد معتقد را برای ایفای نقش خود آماده می‌سازند زیرا پاران امام نمی‌توانند خود را فقط به انتظار کشیدن دلخوش سازند و در زمینه امر به معروف و نهی از منکر اقدامی نکنند. و بالاخره باید گفت مهدی موجود و زنده و یا خوارکننده ظالمان در خود احساس مقابل دشمنان سر فرود لحظه، ظهور ظفر آفرین و هرگز به ذلت و خواری تن در مورد برکات وجودی باید گفت: که بعضی می‌گویند معارف دینی و رهبری مردم از نظر در دسترس مردم نباشد چه فایده‌ای بر وجودش می‌باشد.<sup>۱</sup>

باید گفت: وظیفه امام تنها رهبری ظاهری مردم نیست بلکه همچنان که امام راهنمای صوری مردم را بر عهده دارد ولایت و رهبری اعمال آنان را نیز در باطن بر عهده دارد و اوست که حیات معنوی مردم را منتظم می‌کند و حقایق اعمال را به سوی خدا سوق می‌دهد و بدیهی است که حضور و غیبت امام در این امر تأثیری ندارد و او از راه باطن به نفوس و ارواح مردم اتصال دارد اگر چه از چشم ظاهری آنها مشهور است. به عبارت دیگر امام را باید از ابعاد و جهات مختلف امامت در نظر گرفت نه تنها از جهت راهنمای صوری و ظاهری، و وجود امام فی نفسه در دنیا ضروری است و رابطه میان عالم امر و خلق است بدین جهت حکیم و فیلسوف اسلامی خواجه نصیرالدین طوسی گوید: وجود حضرت حجت در دنیا فی حد ذاته لطفی است از جانب خدا، و تصرف وی در امور، لطف دیگر است و نبودن وی در میان ما از عدم آمادگی خود ماست.

پی نوشت:

۱ - کتاب حجت بن الحسن، فضل الله کمپانی



## آخوند ملا محمود مرآتی (ره):

نیاید از فضل و کرم خداوند مأیوس شد، ما بزرگ و ملجا پناهی داریم  
(امام زمان عج) که در هر حال و در هر زمانی قدرت یاری و کمک ما را  
دارد. بهترین است که به او استغاثه کنیم.

## وظایف منتظر

از جمله تکالیف آن است که مؤمنان در هنگام گرفتاری‌ها، شهادت، بلایا، امراض و مانند آنها و حتی در  
شبهات و فتنه‌های معنوی که می‌توانند آفت دین و ایمان افراد باشند به امام زمان (عج) متمسک شده و از  
او استجداد و استعانت بجوئیم.

(وظایف مؤمنان در زمان غیبت امام زمان (عج))

راه وصال سید

سید محمد رضا حسینی مطلق

## برگی از یک نوشته

هرگز او را نشناسد...

امام حسن عسکری (ع): **مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً**

«آنانکه امام زمان خویش را نشناسند تا بمیرند همانند مردگان دوران جاهلیت‌اند»

شناختن امام، دانستن روز تولد و درگذشت او نیست، بلکه شناختن موقعیت، شخصیت و هدف اوست.  
یعنی بدانیم که امام جانشین پیامبر، و دانش او از دانش پیامبر است و تمام کارها و سخنان او راست و درست  
و مطابق واقع می‌باشد و اصلاً آلوده به گناه و خطا و کارهای ناشایست نمی‌شود. هرچه بگوید، برنامه صحیح  
زندگی و نشان دهنده راه سعادت است و مخالفت با او مخالفت با خداست.

ولی اگر این طور امام را نشناسیم، نه تنها دستورهای او را اجرا نمی‌کنیم، بلکه با او مخالفت هم خواهیم  
کرد و در نتیجه از راه راست باز می‌مانیم و گمراه خواهیم شد. همانطور که افراد بیش از اسلام گرفتار کفر و  
گمراهی شده بودند.

جهانگشای عادل، صفحه ۴۶

سید جمال الدین دین پرور

آن کس که از سر صدق و صفا بگوید اگر امام زمان (عج) را در یافتیم او را باری می‌دادم، مانند کسی است که پیروز ماندانه پیشاپیش حضرتش شصتبار زنده نه، بلکه مانند کسی است که همراه حضرتش شهید شود.

نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی (عج)،  
صفحه ۵۱

## داستانی شنیدنی از لحظه آغاز غیبت

یکی از حوادث شنیدنی که به هنگام محاصره خانه امام حسن عسکری (ع) اتفاق افتاد، داستانی است که گروهی از افراد پلیس خلیفه نقل کرده‌اند:

چون سپاهیان وارد خانه امام حسن عسکری (ع) شدند، از سرداب مقدس صدای قرائت قرآن شنیده شد. همگی سرداب را محاصره کردند و جلوی در سرداب ایستادند تا بقیه سپاهیان برسند. در این میان حضرت مهدی (ع) در برابر دیدگان سپاهیان از سرداب خارج شد و از برابر فرمانده سپاه عبور کرد. چون از دیده‌ها پنهان شد، فرمانده سپاه گفت؟ همگی وارد سرداب شوید.

یکی از افراد گفت: مگر ما به دنبال کسی نیستیم که از جلوی تو عبور کرد؟ پس چرا او را رها کردید؟  
فرمانده گفت: من کسی را ندیدم.

گفتند: ما همگی دیدیم و خیال کردیم که شما نیز دیدید.  
خلاصه:

تا غیبت نباشد، شایستگی حضور پیدا نمی‌شود. غیبت، فصل آیش کمال‌یابی شیعہ است. نیاز بشریت به غیبت برای کمال، مانند نیاز طبیعت و بشریت به ابرهایی است که میان زمین و خورشید فاصله می‌اندازد و همان گونه که هیچ کس در زمان ابری بودن آسمان، نیستی خورشید را باور نمی‌کند، عدم وجود امام زمان (ع) در عصر غیبت نیز باور نکردنی است. و چنان که در بارش باران، زمین جان تازه می‌گیرد و رفع عطش می‌کند تا خود را برای فردایی سبز مهیا کند، بشریت هم در فصل غیبت تلاش می‌کند تا با مجاهده، معرفت و تهذیب، خود را برای فردایی بهتر در تقدیر زمین آماده کند. پس باید به خاطر داشت که غیبت، زمان بلا تکلیفی نیست. غیبت، زمان تنبلی و سهل انگاری هم نیست؛ که اجرای شریعت اسلامی نیاز به مردان کاردان و مجرب و توانا دارد. غیبت زمان نشستن هم نیست؛ زیرا منتظران قائم باید ایستادن را چنان بیاموزند، نشستن را از خاطر برده باشند.



### یک نکته (امامت و عدالت)

امام عصر در توفیق شریف خود می‌فرماید: اگر شیعیان ما که خداوند بر توفیق طاعت خویش آنها را موفق گرداند، در راه وفا به پیمانی که بر دوش دارند همدل می‌شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد.

### قصه‌های دیدار

## نجات آیه الله نجفی مرعشی از مرگ توسط امام زمان (ع)

آیه الله نجفی مرعشی می‌گوید: «در زیارت عسکریین (ع) و در جاده طرف حرم سید محمد، راه را گم کردم و در اثر تشنگی و گرسنگی زیاد و ورزش باد، در قلب الاسد از زندگی مأیوس شدم غش کرده به حالت صرع و بیهوشی روی زمین افتادم.

ناگهان چشم باز کرده دیدم سرم در دامن شخص بزرگوار است، پس به من آب خوش گواری داد که مثلش را از شیرینی و گوارایی در مدت عمر نجشیده بودم.

بعد از سیراب کردنم سفره‌اش را باز کرد و در میان سفره دو یا سه عدد نان بود، خوردم.

سپس این شخص که به شکل عرب بود فرمود: «سید در این نهر برو و بدن را شستشو نما.»

گفتم: «برادر! اینجا نهری نیست، نزدیک بود از تشنگی بمیرم، شما مرا نجات دادید.»

آن مرد عرب فرمود: «این آب گوارا است.»

با گفته او نگاه کردم دیدم نهر آب باصفایی است.

تعجب کردم و با خود گفتم: «این نهر نزدیک من بود و من نزدیک بود از تشنگی بمیرم.»

به هر حال فرمود: «ای سید! اراده کجاداری؟»

گفتم: «حرم مطهر سید محمد (ع)»

فرمود: «این حرم سید محمد است.»

نگاه کردم دیدم در زیر بقعه سید محمد قرار داریم و حال آنکه من در «جادسیه» (قادیسیه) گم شده بودم و مسافت زیادی بین آنجا و بقعه سید محمد (ع) است.

باری از فوائد آنچنانی که از مذاکره با آن عرب در این فرصت نصیبم شد اینهاست:

### خصوصیات منتظران:

۱ - از غیبت و تهمت به شدت دوری می نماید.

۲ - اهل تجسس و فخر فروشی نیست.

تأکید و سفارش بر تلاوت قرآن شریف، و انکار شدید بر کسی که قائل به تحریف قرآن است؛ حتی نفرین فرمود بر افرادی که احادیث تحریف را قرار داده اند.

و نیز: تأکید بر نهادن عقیقی که اسماء مقدسه چهارده معصوم (ع) بر آن نقش بسته و نوشته شده زیر زبان میت.

و نیز سفارش فرمودند: بر احترام پدر و مادر، زنده باشند یا مرده، و تأکید بر زیارت بقاع مشرفه ائمه (ع) و اولاد آنها و تعظیم و تکریمشان.

و سفارش فرمود: بر احترام ذریه سادات و به من فرمود: «قدر خود را به خاطر انتساب به اهل بیت (ع) بدان و شکر این نعمت را که موجب سعادت و افتخار زیاد است به جای آور.»

و سفارش فرمود: بر خواندن قرآن و نماز شب و فرمود: «ای سید! تأسف بر اهل علمی که عقیده شان انتساب به ما است و لکن این اعمال را ادامه نمی دهند.»

و سفارش فرمود: بر تسبیح فاطمه زهرا (ع) و بر زیارت سیدالشهداء (ع) از دور و نزدیک و زیارت اولاد ائمه (ع) و صالحین و علما و تأکید بر حفظ خطبه شششنبه امیرالمؤمنین (ع) و خطبه علیا مخدره زینب کبری (ع) در مجلس یزید. لعنة الله علیه - و دیگر سفارشات و فوائد.

به ذهنم خطور نکرد که این آقا کیست مگر وقتی از مد نظر غایب شد. ۱

پی نوشت:

کتاب قبسات - منتخبات ابن العلم - منتقم حقیقی



آن کس که تا دم مرگ شناسای مقام امام زمانش باشد، چه ظهور پیش  
افتد یا پس، زبان نمی‌بندد و... مانند کسی است که درسراپرده حضرت قائم  
(عج) سرگرم خدمت باشد.  
نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی (عج)، صفحه ۵۲

## یک فراز از زندگی او

### تولد مخفیانه

آخرین امام شیعیان حضرت حجة بن الحسن (ع) در سال ۲۵۵ هـ. ق و در روز پانزدهم شعبان متولد گردید. ولادت آن حضرت به گونه‌ای رخ می‌دهد که قسمتی از ولایت است؛ چون او مخفی زاده می‌شود؛ همان گونه که حملش نیز مخفی بوده است. مثل موسی (ع)

رسالتی هم که برشانه دارد، شکستن همه بت‌هاست و مبارزه‌ی با همه خدایان دروغین. شیخ صدوق در کمال الدین می‌نویسد: موسی پسر محمد بن قاسم فرزند حمزه فرزند امام موسی بن جعفر (ع) نقل کرد از قول حکیمه خاتون دختر حضرت جواد (ع) و (عمه امام عسکری (ع) که ابو محمد (امام حسن عسکری (ع)) مرا طلبید و فرمود: مولود امشب، حجة الله در زمین است.

پرسیدم: مادرش کیست؟

فرمود: نرجس خاتون.

عرض کردم: من اثر حمل در او مشاهده نمی‌کنم.

فرمود: آنچه گفتم تحقق پیدا خواهد کرد.

حکیمه می‌گوید: نزد نرجس رفتم و سلام کردم نشستم. او خواست کفش مرا از پایم بیرون آورد. گفتم: بانوی من حال شما چه طور است؟ گفتم: تو سرور من و سرور خانواده‌ی ما هستی.

گفتم: هرگز؛ من کجا و این مقام کجا؟

گفتم: دخترم! خداوند امشب به تو مولودی می‌دهد که سرور جهان است.

این سخن را که گفتم، حیای خاصی بر چهره‌ی نرجس خاتون ظاهر شد.

حکیمه ادامه می‌دهد: به نماز ایستادم و بعد افطار کرده. سپس برای استراحت به خوابگاه رفتم و خوابیدم. شب که نیمه شد، برخاسته و آماده‌ی نماز شدم. بعد از اتمام نافله شب، نرجس خاتون هنوز خواب بود و اثری از زایمان در او مشاهده نمی‌شد مقداری به تعقیبات نماز پرداخته و بعد دوباره خوابیدم. ناگاه از خواب بیدار شدم. نرجس خاتون در خواب بود. در این هنگام او از جای حرکت کرد و به نماز ایستاد. وسوسه‌ای در دلم پیدا شد که جریان مولود امشب چه شد؟ ناگاه امام حسن عسکری (ع)





فرمودند: عمه جان! عجله نکن، نزدیک است.

حکیمه خاتون گفت: مشغول خواندن سوره‌ی الم سجده و پس شدم.

در همین بین نرجس خاتون با ناراحتی از خواب بیدار شد. با شتاب به جانب او رفتیم و نام خدا را خواندم و پرسیدم: احساس چیزی می‌کنی؟  
در جواب گفت: آری عمه جان.

گفتم: خوددار باش که این همان جریانی است که اول شب برایت گفتم.

سپس هر دو به خوابی سبک فرو رفتیم. ناگهان از صدای نوزاد عزیزی بیدار شدم. دیدم که او متولد شده و به سجده رفتیم است. او را در برگرفتم که پاک و پاکیزه بود. صدای امام عسکری بلند شد: عمه جان! فرزندم را بیاور.

نوزاد را خدمت امام (ع) بردم. آن جناب دست زیر پر پشت او گذاشته و پاهای او را روی سینۀ خود نهاد و لبان خود را بر لبان کودک گذاشت. سپس دست بر چشم و گوش و مفاصل نوزاد کشید و فرمود: فرزندم سخن بگو.

نوزاد زبان گشوده و گفت: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمد رسول الله (ص).

سپس درود بر امیر مؤمنان و بقیة ائمه تا پدر بزرگوار خود فرستاد و دیگر سخن نگفت.

انتظار روح حماسه و پیکار را در انسان‌ها زنده نگه می‌دارد و انسان منتظر همواره در آبادی نظامی و تدارک نیرو و کسب نیرومندی و سلحشوری به سر می‌برد.  
نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی (عج)، صفحه ۶۹

امام عسکری (ع) فرمود: عمه جان! او را نزد مادرش ببر و بعداً نزد من بیاور.  
کودک را نزد مادرش برده. او به مادر خود سلام کرد. بعد نوزاد را نزد امام عسکری (ع) آوردم.  
حضرت فرمود: عمه جان! روز هفتم باز پیش ما بیا.  
صبح روز بعد خدمت امام عسکری (ع) رسیدم. همین که پرده را برداشتم تا جمال نوزاد را ببینم،  
او را نیافتم. عرض کردم: مولای من! چه شد فرزند عزیز شما؟  
فرمود: عمه جان! او را سپردم به کسی که مادر موسی فرزندش را به او سپرد.  
حکیمه می‌گوید: روز هفتم خدمت امام حسن عسکری (ع) آمده و سلام کردم و نشستیم. فرمود:  
فرزندم را بیاور.  
آن کودک مسعود را در پارچه‌ای قرار داده خدمت امام حسن (ع) آوردم. همان کارهایی که در شب  
ولادت انجام شد، تکرار گشت. کودک شهادتین بر زبان جاری کرد و بر امام معصوم و پدران بزرگوار خود  
درود فرستاد. سپس این آیه را تلاوت نمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین...  
می‌خواهیم بر مستضعفان منت گذاشته و آنان را پیشوا و وارث زمین قرار دهیم.

کمال‌الدین، ج ۲، ص ۲۲۴

بحار، ج ۵۱، ص ۲

### نور جهان شمول

امام، نور هدایت است که جز در پرتو آن ره بردن به حق غیر ممکن است. هنگامی که امام مهدی  
(ع) ولادت یافت، نوری از بالای سرش به سمت آسمان ساطع شد. سپس امام به سجده رفت.  
غیاث بن اسید می‌گوید: من شاهد بودم که محمد بن عثمان عمری (قدس الله روحه) می‌گفت:  
وقتی مهدی (ع) ولادت یافت، نوری از بالای سرش به آسمان‌ها رفت و حضرت به سجده افتاد و آن  
گاه که سر از سجده برداشت، این آیات را تلاوت می‌کرد.  
شهد الله انه لا اله هو و الملائکه و الو العلم قائماً بالقسط، لا اله الا هو العزيز الحكيم. ان الذین  
عد الله الاسلام.

کمال‌الدین، ج ۲، ص ۲۲۳

اثبات الهداه، ج ۳، ص ۶۶۹

## نتایج انتظار:

هیچ کس نمی‌تواند از حال دیگران غافل باشد، بلکه باید براساس مسئولیتی که بر عهده هر انسان صالحی است، هر جا سعی مشاهده کرد برای اصلاح آن بکوشد  
نگاهی تحلیلی به زندگانی حضرت مهدی (عج)، صفحه ۶۸

## زندگانی امام زمان (عج)

ماه پر نور و زیبا زمین را روشن کرده بود، شبیر می‌خواست بخواهد که در خانه به صدا درآمد، در را که باز کرد خدمتکار امام هادی (ع) را دید و فهمید که امام با او کار مهمی دارد. لباس های تمیزش را پوشیده و راه افتاد، وقتی وارد خانه امام شد آرامش عجیبی پیدا کرد. با خودش گفت: شبیرا اینجا همیشه بوی بهار می‌دهد. وارد اتاق امام شد و سلام کرد. امام بعد از احوال‌پرسی فرمود آنها دوست داری در کار مهمی به ما کمک کنی. شبیر با خوشحالی گفت: بزرگترین آرزوی من خدمت به شماست. امام نامه‌ایی به خط رومی نوشت و همراه کپسه‌ای پر از طلا به او داد سپس کارهایی را که باید انجام می‌داد به او گفت.

شبیر صبح زود به طرف بغداد حرکت کرد. در آنجا به بازار برده فروش ها که در کنار پل بزرگ شهر بود رفت. او در بین اسیران می‌گشت تا اینکه چشمش به خانمی که امام گفته بود افتاد. او روی خود را پوشانده بود و از برده‌فروشی خواهش می‌کرد که در فروش او عجله نکند. شبیر جلورفت و نامه را به خانم داد. او همین که نامه را دید خوشحال شد. شبیر با سکه‌های طلا او را خرید. در راه بازگشت از او پرسید: چرا از دیدن نامه‌ایی که صاحبش را نمی‌شناسی این قدر خوشحال شدی؟ خانم جواب داد: گوش کن تا داستان عجیبی را برایت بگویم. من ملیکا دختر پادشاه روم هستم.

قرار بود با پسر عمویم ازدواج کنم. در روز جشن، پسر عمویم روی تخت زیبایی که در وسط کاخ بود نشست ناگهان پایه‌های تخت شکست و او روی زمین افتاد و بیهوش شد. مجلس به هم ریخت و همه پا به فرار گذاشتند. همان شب در خواب دیدم که حضرت عیسی با گروهی از پلرانش به کاخ آمدند. در همین لحظه پیامبر گرامی اسلام با فرزندان بزرگوارش وارد شدند. ایشان به حضرت عیسی فرمود: من آمده‌ام ملیکا را برای پسرم خواستگاری کنم و با دست به امام حسن عسگری اشاره کرد. چهار شب گذشت و خواب زیبای دیگری دیدم. حضرت مریم همراه دختر پیامبر اسلام، حضرت فاطمه به دیدن من آمدند. همان شب مسلمان شدم و از حضرت فاطمه خواستم که کمکم کند. او با خوشحالی مرا در آغوش گرفت. سپس قرار شد که خودم را مخفیانه به سپاه روم برسانم تا به دست مسلمانان اسیر شوم. فردا صبح، بشیر و ملیکا به طرف سامرا حرکت و بشیر ملیکا را به خانه امام هادی برد. امام به گرمی از عروس خود استقبال کرد و به او فرمود: دوست داری ده هزار سکه طلا بگیری یا این که بشارت و مژده خوبی را بشنوی؟ ملیکه گفت: من بشارتی را که شما بدهید با همه دنیا عوض نمی‌کنم. امام فرمود: خداوند به تو پسر زیبا و شایسته‌ای می‌دهد که نامش مهدی است. امام با مهریانی به ملیکا گفت: دختر! دوست داری از این به بعد تو را نرگس صدا کنیم؟ ملیکا جواب داد: بله، این نام خیلی زیباست. سپس امام، نرگس را به خواهرش حکیمه سپرد تا آداب دین اسلام را به او یاد بدهد. حکیمه به نرگس گفت: تو خوشبخت‌ترین زن دنیایی. چون وقتی پسر تو به دنیا بیاید، همه مردم آرزو می‌کنند که او را ببینند. نرگس خیلی خوشحال شد و شیها خواب پسر زیبایش، مهدی را می‌دید و با او صحبت می‌کرد.

او هر بار که نماز می‌خواند دعا می‌کرد که هر چه زودتر پسرش مهدی بیاید و دنیای پر از بدی و ستم را سرسبز و زیبا کند و برای همه کودکان دنیا شادی و سعادت بیاورد.

### یک واژه (مفهوم)

انتظار یک مکتب است. در آن یک «شدن» وجود دارد. فردی که قرار است منتظرش باشیم حضور دارد و معدوم نیست.

در فرهنگ مهدوی یک جریان «شدن» هست. مردم برای رسیدن به او آماده و برای شبیه شدن به او فعالیت و تلاش می‌کنند و به او عشق می‌ورزند و از خداوند که خالق جهان است ظهور او را درخواست می‌کنند.

### یک ویژگی از ظهور و حکومت او

#### امنیت اجتماعی

یکی دیگر از ره‌آورد‌های پربرکت دوران حضرت مهدی (عج) ایجاد امنیت اجتماعی است. اصلی که مایه بقای جامعه و استحکام روابط اجتماعی و حفظ حقوق افراد است. همچنان‌که در آیه ۵۵ سوره‌ی نور اشاره شده است، در آن عصر، ترس و وحشت به آرامش و امنیت تبدیل می‌گردد.

امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

به دست ما (حکومت ما) روزگار سختی‌ها و تشنه‌کامی‌ها سپری گردد و چون قائم ما قیام کند کینه‌ها از دل‌ها برود، حیوانات نیز با هم سازگاری کنند، در آن روزگار، زن با همه‌ی زیب و زیور خویش از عراق درآید و تا شام رود و از هیچ چیز نترسد.

(منتخب الاثر، ۴۷۴)

### حکومت فراگیر و جهانی مستضعفان

از دیگر ره‌آورد‌های دوران حکومت حضرت مهدی (ع)، ایجاد حکومتی جهانی و فراگیر است که با کمک مستضعفان و وارثان زمین به انجام می‌رسد.

قرآن کریم در این باره چنین وعده داده است:

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که به یقین در روی زمین ایشان را خلیفه کند. همچنان که مردمی را که پیش از آنان بودند خلیفه ساخت؛ و دین‌شان را. که خود برای ایشان برگزیده بود. استوار سازد؛ و وحشتشان را به امنیت بدل کند؛ و [آن‌گاه] آنان مرا می‌پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌سازند.<sup>۱</sup>

این آیه کریمه که به تأیید ائمه اطهار (ع) درباهی حضرت مهدی (ع) و زمان ظهور ایشان، به نحوی، حاکمیت فراگیر و جهانی ایشان را که متضمن استقرار امنیت و برقراری توحید است بیان می‌دارد.

امام علی (ع) می‌فرماید:

ایشان (مستضعفان میراث بر زمین) خاندان پیامبراند که خداوند، پس از سختی‌ها، مهدی ایشان را برمی‌انگیزد و به آنان عزت می‌بخشد و دشمنانشان را خوار می‌سازد.<sup>۲</sup>

پی‌نوشت:

۱ - قرآن مجید، سوره‌ی نور، آیه ۵۵. ۲ - بحار الانوار، ۵۴/۵۱.

## ملاقات حسنعلی نخودکی با امام زمان (عج) و گرفتن سرمایه حلال از آن حضرت



شدم.

پس از آن روزگاهی به دیدن آن مرد عامی خربوزه فروش می رفتم و گاهی به او کمک می کردم. روزی از او پرسیدم: «آن آقا که فلان روز این جا نشسته بودند چه کسی هستند؟»

گفت: «او را نمی شناسم» مرد بسیار خوبی است گاهگاهی این جا می آید و کنار من می نشیند و با من دوست شده است. بعضی از اوقات که وضع مالی من خوب نیست به من کمک می کند.»

سال دوم تمام شد باز به من اجازه ملاقات در همان محل عنایت فرمودند. در این دفعه آدرس را می دانستم، مستقیماً به کنار طبق آن مرد رفتم و دیدم حضرت روی کرسی کوچکی نزول اجلال فرموده است. سلام عرض کردم. جواب مرحمت فرمودند و باز همان چند جندک را مرحمت فرمودند و من گرفته سپاسگذاری کردم و مرخص شدم. با آن چند جندک مقداری پایه مهر خریدم و در کیسه ای ریختم و چون فن مهر کنی را بلد بودم هر چند وقت، کنار بازار می نشستم و چند عدد مهر برای مشتری ها می دادم، البته به قدر حدقلی که به آن قناعت می شود، و از آن کیسه که در جیبم بود پایه مهر برمی داشتم بدون آنکه به شماره آنها توجه کنم.

سال های سال کار من موقع اضطرار استفاده از آن پایه مهرها بود و تمام نمی شد و در حقیقت درس سفره احسان آن بزرگوار مهمان بودم.»<sup>۱</sup>

پی نوشت:

۱ - شمه ای از کرامات شیخ حسنعلی نخودکی

مرحوم حاج شیخ حسنعلی نخودکی قدس سره می فرمودند: «برای مسئله یک سال تمام به عبادت و ریاضت مشغول شدم و درخواست من این بود که شرفیاب حضور حضرت ولی عصر (ع) شوم و سرمایه ای از آن حضرت بگیرم.

پس از یک سال، شبی به من الهام شد که فردا در بازار خربوزه فروشان اصفهان اجازه ملاقات داده شده است. در اصفهان بازارچه ای بود که تمام دکان های اطراف آن خربوزه فروشی بود و بعضی هم که دکان نداشتند خربوزه را قطعه قطعه می کردند و در طبقی می گذاشتند و خورده فروشی می کردند.

فردای آن شب پس از غسل کردن و لباس تمیز پوشیدن با حالت ادب، روانه بازار شدم. وقتی داخل بازار شدم از یک طرف حرکت می کردم و اشخاص را زیر نظر می گرفتم ناگاه دیدم آن دُرّ یگانه عالم امکان، در کناریکی از این کسبه فقیر که طبق خربوزه فروشی دارد نزول اجلال فرموده است.

مودب جلو رفتم و سلام عرض کردم. جواب فرمودند و با نگاه چشم فرمودند: «چه می خواهی؟» عرض کردم: «استدعای سرمایه ای دارم.» آن حضرت خواستند جندک (پول خوردن زمان) به من عنایت کنند.

من عرض کردم: «برای سرمایه می خواهم.» پس از پرداخت آن خودداری فرمودند و مرا مرخص کردند.

وقتی به حال طبیعی آمدم فهمیدم که هنوز قابل نیستم. لذا یک سال دیگر به عبادت و ریاضت به منظور رسیدن به مقصود مشغول



راه وصال

## وظایف مومنان در زمان غیبت امام زمان (عج)

نویسنده: سید محمدرضا حسینی مطلق

این کتاب در قطع رقی، در ۲۳۲ صفحه توسط انتشارات پارسایان منتشر شده است.

چاپ اول این کتاب در سال ۸۰ و تاکنون چندین بار چاپ شده است. نویسنده در مقدمه کتاب آورده است:

هدف از آفرینش انسان، رشد و تعالی او و رسیدن به بالاترین منزلت عزت و شرف و قرب الی الله تعالی است و تنها راه رسیدن به این منزلت و جایگاه رفیع و بلند حرکت در صراط مستقیم و بیرون ترغش کران است.

به دلالت ادله، این صراط مستقیم، امام (عج) است یعنی در هر عصر از عصر امام و حجت خداوند متعال، همان صراط مستقیم حق و تنها راه سعادت و رستگاری دوجهان است.

و در ادامه آورده است:

صراط مستقیم و تنها طریق هدایت و سعادت یعنی امام عصر (عج) در این حقیقت است که رعایت آن بر حدیثان هدایت و سعادت لازم و الزامی است که بدون رعایت آن حقوقی و ادای آنها، هیچ سعادت و هدایتی به دست نخواهد آمد. نویسنده در معرفی کتاب می‌نویسد:

این کتاب در حقیقت خلاصه و موجزی از چند کتاب که در این زمینه نگاشته شده است، می‌باشد؛ مانند: کتاب شریف «مکاتیل المکارم» و کتاب «تأویف المهدوی» با ساحت قدس مهدوی.

در این کتاب نزدیک به هشتاد تکلیف بیان شده است که هر کدام با تکلیف‌هایی تابع به نود و نه تکلیف می‌رسد.

معرفی کتاب

تعمیر و ترمیم

۱۳

یک مزده:

ای گروه مردمان! مزده باد بر شما فرج و ظهور امام زمان (عج) که به راستی وعده‌ی خداوند تخلف نمی‌یابد و قضای او بازنمی‌گردد او حکیم و آگاه است و به راستی فتح و گشایش خداوند نزدیک است.

(امام معصوم (ع))

## با مهدیه تهران

- مهدیه تهران یکی از مکان‌های مذهبی است که فقط در روزهای جمعه حدود ۵۰۰۰ نفر هنگام دعای توبه در آن حضور بهم می‌رسانند و پذیرائی می‌شوند. این مکان با متراژ ۴۵۰۰ متر زمین و ۱۱۰۰۰ متر زیربنا ظرفیت پذیرائی از ۷۰۰۰ نفر را داراست.

- مهدیه تهران قصد دارد هفته آینده حدود ۱۶۰ نفر از خادمین مهدیه را برای سفر زیارتی به مشهد مقدس اعزام کند.

- مهدیه تهران قصد دارد نمایشگاه دائمی کتاب ویژه امام عصر (عج) را برگزار کند. این در حالی است که تاکنون حدوداً ۲۵۰۰ عنوان کتاب در این رابطه شناسایی شده است.

- مهدیه تهران در کنار امور فرهنگی توجه خاص به نیازهای اجتماعی و رفاهی را دارد. به همین جهت در طرح جامع درمانگاهی با سه طبقه با ۱۷۰۰ متر زیربنا در نظر گرفته شده که به محض تأمین اعتبار اقدام به احداث آن خواهد کرد. همچنین صندوق قرض الحسنه مهدیه نیز که تاکنون گره از مشکلات بسیاری گشوده که اگر از توان مالی بهتری برخوردار باشد پتانسیل انجام خدمت بیشتری را دارا است.

- مهدیه تهران شب‌های جمعه با دعای کمیل و صبح‌های جمعه با دعای توبه و سخنرانی‌های قبل از کمیل و نماز صبح روز جمعه و بخش مستقیم دعای کمیل و توبه از سیمای جمهوری اسلامی ایران در تهران و سایر استان‌ها، نور معنویت را در دل‌ها روشن و دل‌ها را به سمت نور مطلق سوق می‌دهد.

- مهدیه مکان مناسبی برای هیأت‌های مذهبی و نهادهای فرهنگی تبلیغی در جهت تبلیغ دین و آموزش فراهم آورده است.

شمیم انتظار

ویژه نامه منتظران مهدیه تهران

صاحب امتیاز: مهدیه تهران

مدیر مسئول: حسن کافی

تهیه کننده:

روابط عمومی مهدیه تهران

تلفن: ۹-۱۵۳۸۸۰۵۵

تلفن گویا: ۱۰-۵۵۳۸۸۰۵۵

## مژده وصل

روزی آخر مژده وصل به یاران می‌رسد!

مرهم دردی به درد داغداران می‌رسد

بال‌ها و او می‌شود سمت گل و آئینه‌ها

مژده دیدار گل بر دوستان می‌رسد

فارغ از غم می‌شود از دیده خونبار ما

قاصد از کویش به جمع بیقراران می‌رسد

لاله می‌روید به باغ و غنچه می‌خندد به دشت

مژده دیدار می‌آید بهاران می‌رسد

باغ پرگل می‌شود، دامن صحرا، رنگ رنگ

بوی گل می‌آید و صوت هزاران می‌رسد

می‌نوازد خاطر مرا، نوای زندگی

عطر سرخ لاله‌ها از لاله زاران می‌رسد

از نگاه آشنایی، درد درمان می‌شود

چاره‌ای بر ماتم ما سوگواران می‌رسد

ای دل پر حسرتم! چندی صبوری پیشه کن

روزی آخر مژده وصلی به یاران می‌رسد

(عطر حضور)

## دعا برای امام زمان (عج)

خداندا ما از درگاه ربوبی تو آرزو مند و  
خواهان دولت باکراماتی هستیم که امام زمان  
(عج) تشکیل می‌دهند، دولتی که در آن  
اسلام و اهلس را عزت بخشی، و نفاق و  
منافقان را ذلیل و خوار گردانی، در آن دولت  
حق ما را از دعوت کنندگان به طاعت و  
فرمانبریت و پیشوایان راه هدایت خودت قرار  
دهی و به واسطه آن بزرگوار عزت و کرامت دنیا  
و آخرت را عطا فرمایی.

(صحیفه مهدیه صفحه ۲۶۲)

## دعا

برخیز دعا کن که دعا را اثری هست

تأثیر به آن خونین جگری هست

این قدر مگو ناله ز تأثیر فتاده

آخر به خدا یک؟؟؟ با اثری هست

زن حلقه به دربار فلک رفعت مهدی

چون پادشاهان را به گدایان نظری هست

یک نامه بری آمده از کشور خضراء

گوید خیر تازه یک نوسفری هست

نو مید مباحثید ز درگاه الهی

تأثیر در اذکار دعای سحری هست

(محمد حسین رحیمیان)

## شوق تو

باز به شوق آدمم از بوی تو

باز سبا بار دگر می‌دهد

باز به جانم شوری می‌زند

در سر سودایی من عشق توست

گر چه سراپا شرمم از غمت

(عطر حضور)